ادامه از صفحه ۵

دورهمی رانت‌خواران در شرکت‌های دولتی

سیدجعفر سبحانی مشاور رئیس کل سازمان خصوصی‌سازی است؛ او هم در گفت‌وگو با «شرق» بر به‌وجودآمدن یک اجماع کلی بین همه قوا و مسئولان برای بهبود روند خصوصی‌سازی تأکید می‌کند. به گفته سبحانی در مسیر خصوصی‌سازی دست‌اندازهایی وجود دارد اما راه‌حل آن بسیار ساده است. باید یک اجماع و تفکر عمومی بین همه مسئولان شکل بگیرد. او می‌گوید همه‌چیز روشن است؛ ایران برای پیشرفت به رشد اقتصادی نیاز دارد و رشد اقتصاد هم جز از مسیر واگذاری‌ها امکان‌پذیر نیست. سبحانی می‌گوید: بخشی از مشکلات ممکن است به نوع نگرش افرادی بازگردد که قرار است خصوصی‌سازی از مسیر آنها بگذرد؛ بخشی به ناآگاهی عده‌ای بازمی‌گردد؛ بخشی دیگر به این بازمی‌گردد که برخی از اساس با واگذاری شرکت‌های دولتی مخالف‌اند و بخشی هم به این بازمی‌گردد که بسیاری از افراد خود را ملزم به اجرای قانون نمی‌دانند؛ برخی دنبال منافع شخصی‌اند و... . او ادامه می‌دهد: اگر بناست که قوانین خوب و نظام‌مند باشد اما در مسیر اجرا اختلال ایجاد شود، راه به جایی نخواهیم برد؛ همه سخن من این است که ما باید کاری کنیم تا اعتمادبه‌نفس بخش خصوصی به‌عنوان محرک اقتصاد بالا رود. نکته اینجاست که همه پروسه خصوصی‌سازی به وزیر و معاونان و سازمان خصوصی‌سازی محدود نمی‌شود، بلکه باید یک اجماع همه‌جانبه بین قوا، نهادها، سازمان‌ها و... به‌وجود بیاید.

شاید خود را بالاتر از قانون می‌بینند

مشاور رئیس کل سازمان خصوصی‌سازی می‌گوید: برای نمونه به موضوع آلومینیوم المهدی دقت کنید؛ با اینکه در این مورد مشخص همه روند روشن بود، ۲۳ ماه سازمان را درگیر کردند. از نهادهای نظارتی گرفته تا مجلس و... . دقت کنید که کار به مراجع قضائی کشید و درنهایت بهمن‌ماه رأی قطعی تجدید نظر هم به نفع سازمان صادر شد؛ اما هنوز «برخی» اعتراض می‌کنند و... . خب؛ سخن من این است که بالاخره باید جایی به نظری اعتماد کرد و آن را پذیرفت دیگر. شاید برخی نمی‌خواهند واقعیت را بپذیرند اما برخی گویا خود را بالاتر از قانون می‌بینند.

اعتراض تنها به واگذاری‌های واقعی است

او توضیح می‌دهد: در سه سال گذشته واگذاری به بخش واقعی اقتصاد نسبت به گذشته سه برابر رشد کرده است. نکته‌ای که می‌خواهم بگویم این است که هرگاه واگذاری‌ای به بخش واقعی اقتصاد انجام شده، اعتراض‌های وسیعی شکل گرفته است؛ یعنی باید از خودشان پرسید واقعا از چه چیز گله‌مندهستید؟ به تجربه می‌گویم: اگر همین واگذاری به بخش خصولتی یا شبه‌دولتی انجام می‌شد، اعتراضی شکل نمی‌گرفت. پرسش من این است که چرا این همه در دولت پیش به بخش‌های خصولتی و شبه‌دولتی واگذار شد، اما هیچ‌کس اعتراض نکرد؟

سبحانی تأکید می‌کند: اتفاقا گرچه این مسیر سخت و طاقت‌فرساست اما نشان می‌دهد که ما راه درست را می‌رویم. اگر اعتراض و مقاومتی نبود احتمالا یک جای کار سازمان مشکل داشت چراکه همه از این روند راضی شده بودند. مشاور معاون وزیر اقتصاد ادامه می‌دهد: واقعیت این است که قانون ابهامی ندارد؛ نکته اصلی وجود افرادی است که خودشان را در این چارچوب نمی‌بینند. مسیر، مسیر قانونی است و از همه تقاضا می‌کنیم تا به مسیر قانون بازگردند. به گفته او واقعیت این است که مسیر درست بدون اجماع همه قوا شکل نخواهد گرفت. سبحانی ادامه می‌دهد: این مسیر سنگلاخ بدون حمایت جدی همه ارکان نظام آسان نمی‌شود. این موضوع نه‌تنها زبانی، که عملی باید رخ بنمایاند؛ یعنی همه افراد هم در کلام و هم در عمل باید به واگذاری بخش‌های دولتی به بخش خصوصی، کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت اعتقاد داشته باشند. بااین‌همه می‌خواهم بگویم دقت کنید زمانی که وزیری که خودش متولی این کار است، دهان به گلایه می‌گشاید، یعنی راه بسیار سخت است و فردی مانند وزیر که از همه برش و توان بیشتری دارد، راه به جایی نبرده است.

۳ راه بهبود

سبحانی ادامه می‌دهد: به گمان من همان‌طور که قانون برای اجرا به مسئولان تکلیف شده است، باید به آنها اختیار و اجازه کافی هم برای اجرای قانون داده شود؛ یعنی فرصتی برای آنها فراهم شود تا بتوانند از آنچه قانون در اختیارشان نهاده است، بهره ببرند. دقت کنید که اکنون هیئت واگذاری به عنوان بالاترین مرجع قیمت‌گذاری در کشور کار قیمت‌گذاری را انجام می‌دهد اما زمانی که این کار را انجام می‌دهد و برای شرکتی که زیان‌ده است، A ریال قیمت تعیین می‌کند، صدای بسیاری در می‌آید که چرا شرکت را مفت واگذار کردیم؟ چرا شرکت‌های دولتی را حراج کردید؟ و... .

اینها همه سنگ‌اندازی‌هایی است که دست و پای سازمان را می‌بندد. ما باید سه راه را دنبال کنیم؛ نخست اینکه تلاش کنیم از مسیر آموزش، موضوع خصوصی‌سازی و ارزش‌نهادن به این بخش برای همگان جا بیفتد. دیگر آنکه با همین اجماع از متولیان خصوصی‌سازی حمایت شود و سوم هم اینکه به متولیان، قدرت استفاده از همه اختیاراتشان داده شود.

سخنرانی «مصطفی ملکیان» در دانشگاه زنجان

ناسیونالیسم اخلاقی، ناسیونالیسم غیراخلاقی

محمد معینی

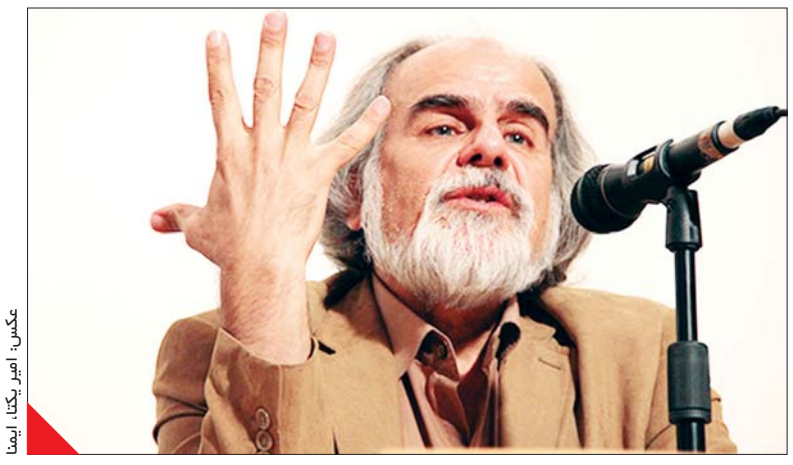

عکس: امیر یکتا، ایمنا

«مصطفی ملکیان» می‌گوید آنچه باعث شده در این دو سال وارد بحث «ناسیونالیسم» شود، مقابله با تلاش برخی برای ترویج و گرم‌کردن تنور «کسب منافع ملی به هر قیمتی» به‌عنوان مفهومی از ناسیونالیسم بوده است.

او که شامگاه سه‌شنبه (دهم اسفند) به دعوت انجمن اسلامی دانشجویی دانشگاه زنجان، در این دانشگاه با عنوان «ناسیونالیسم؛ راه یا بیراهه؟» سخن می‌گفت، اظهار کرد: «من در دو سال گذشته، درباره ناسیونالیسم، هم سخنرانی و مصاحبه کرده‌ام، هم در مناظره و میزگرد حضور داشته‌ام و اینک نه حرف تازه‌ای دارم و نه از آنچه قبلا گفته‌ام، عدول کرده‌ام؛ ولی آنچه طرح برخی مباحث را دشوار کرده و گاه ناگزیر از تکرار و جمع‌بندی، سوءفهم و گاهی سوءنیت برخی است با وجود اینکه من همیشه صریح و شفاف سخن گفته‌ام».

او افزود: «توقع نداشتم سخنان واضح و شفاف من در باب ناسیونالیسم در چند سال گذشته، تا این حد سوءتعبیر و سوءتفسیر شود؛ بنابراین با لحاظ‌کردن این شرایط، فکر کردم چه‌بسا برای آخرین‌بار رأی خودم را در این باب عرضه کنم».

ملکیان گفت: «من از سه منظر به ناسیونالیسم پرداخته‌ام؛ فلسفی، اخلاقی و مصلحت‌اندیشانه. بحث من در حوزه سیاسی و ژئوپلیتیک نیست؛ مبنای سخن، انسانِ پوست و گوشت و استخوان و خون‌داری است که باید معلوم شود «ناسیونالیسم» با او چه می‌کند، توسعه و ترویج آن چه اثری بر او در همه جای کره زمین خواهد داشت؟».

او در صورت‌بندی مسئله، ناسیونالیسم را دارای معنا و مفهوم‌های مختلف دانست؛ وطن‌دوستی، وطن‌پرستی، ترجیح منافع میهن بر منافع گروه‌ها، ترجیح حل مشکلات مردمان میهن بر مشکلات سایر مردم در سایر کشورها، تساوی شهروندان به اعتبار عضو یک ملت‌بودن و نهایتا: کسب منافع ملی به هر قیمتی. مصطفی ملکیان، ناسیونالیسم به معنای وطن‌دوستی را یک اصل پیشاتأمل، همچون حُبّ مادر، دانست و گفت: «این مبین بهنجار و طبیعی‌بودن به‌لحاظ روان‌شناسی است و فاقد ارزش داوری است، چراکه این نوع دوست‌داشتن، مبتنی بر غریزه است و دارای ارزش اخلاقی نیست».

ملکیان در تبیین مفهوم «وطن‌پرستی» نیز ابتدا به تشریح «آرزواندیشی» پرداخت و گفت: «آرزواندیشی یک نحوه اندیشیدن است، به این معنی که من خوش دارم الف، ب باشد؛ پس الف، ب است! یعنی از دوست‌داشتن چیزی و کسی، به باوری برسم و آن را واقعیت تلقی کنم، مثل اینکه من کشورم را دوست دارم و از قِبل این دوست‌داشتن به این «باور» برسم که کشور من بهترین، زیباترین و کامل‌ترین کشور دنیاست و این وطن‌پرستی است».

او گفت: «این نوع وطن‌پرستی منجر به نزاع بین وطن‌پرستان از کشورهای مختلف می‌شود، چراکه هرکدام، وطن خود را بهترین می‌داند و این در حالی است که هیچ فیصله‌بخشی‌ای بر این نزاع متصور نیست؛ سخن هیچ‌کدام مبرهن به برهانی نیست ازآن‌رو که به آرزواندیشی مبتلا شده‌اند».

ملکیان مسئله دیگر ناشی از وطن‌پرستی را عُجب ملی دانست و گفت: «وقتی عُجب و غرور فردی به‌لحاظ اخلاقی نادرست است، عُجب ملی نیز اخلاقی نیست».

او گفت: «غایت وطن‌پرستی «خودپرستی» است؛ وطن‌پرست در وطن خود، استان خود، در استان خود، شهر خود و در شهر خود، کوی و محله و کوچه خود را و نهایتا خود را برتر از همه قرار خواهد داد».

ناسیونالیسم اخلاقی

او در توصیف مفهوم دیگری از «ناسیونالیسم»، به ترجیح منافع ملی بر منافع گروهی و جناحی اشاره کرد و گفت: «این مفهوم از ناسیونالیسم، هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ مصلحت‌اندیشانه پذیرفتنی است، چراکه قربانی‌کردن منافع ملی، میهنی باقی نمی‌گذارد تا در آن منافع گروهی و جناحی تأمین شود». ملکیان سپس به توضیح مفهوم دیگری از ناسیونالیسم پرداخت و این سؤال را مطرح کرد که «آیا رفع درد و رنج ملت خودمان بر رفع درد و رنج ملتی دیگر ترجیح دارد؟»

به گفته ملکیان بسیاری از فیلسوفان اخلاق بر این باورند که رفع درد و رنج ملت خودمان بر رفع درد و رنج ملتی دیگر ترجیح دارد؛ باوری که خود ملکیان نیز به آن معتقد است و این نوع ناسیونالیسم را قبول دارد. او در تکمیل سخنان خود دراین‌باره، به تشریح طبقه‌بندی نیازهای فردی و اجتماعی پرداخت و گفت: «رفع درد و رنج ملتی دیگر و تأمین نیازهای آنان در طبقه نیازهای فردی و اجتماعی، وقتی مجاز شمرده می‌شود که نیازهای مردم کشور خودمان در همان طبقه قبلا تأمین شده باشد». ملکیان در بخش دیگری از سخنان خود، معنای دیگر ناسیونالیسم را برابری شهروندان صرفا به اعتبار «عضو یک‌ملت‌بودن» دانست و اضافه کرد: «همه شهروندان به صرف عضو یک‌ملت‌بودن، فارغ از دین و مذهب و رنگ و نژاد و زبان و هر شاخص دیگری، دارای حقوق مساوی شهروندی هستند».

او گفت: «لازم هم نیست اگر قرار است مردم مساوی نباشند، حتما در شناسنامه قید شود؛ همین که کسی بتواند از تریبونی علیه من هرچه خواست بگوید و من از همان تریبون نتوانم نه مقابله‌به‌مثل، که صرفا از خود دفاع کنم، آن عدالتِ توزیعی نقض شده است و این از لحاظ اخلاقی، پذیرفتنی نیست».

ناسیونالیسم غیراخلاقی

او در تشریح معنای دیگری از ناسیونالیسم، افزود: «مفهوم دیگری از ناسیونالیسم که تنور آن در این چند سال اخیر گرم شده و کسانی برای ترویج آن تلاش می‌کنند، کسب منافع ملی به هر قیمتی حتی به قیمت ضربه‌زدن به ملت‌های دیگر است».

ملکیان گفت: «انسان به‌لحاظ ذهنی و روانی حب ذات دارد؛ دوست دارد منافع را برای خود جذب کند و مضار را دفع؛ ولی این «اخلاق» است که این حب ذات را تعدیل می‌کند تا دفع مضار و جذب منافع، رنجی را بر دیگران تحمیل نکند».

او افزود: «چنین مفهومی از ناسیونالیسم، جهان را به جنگلی از وحوش تبدیل و «اخلاق» را از روابط بین‌الملل اخراج می‌کند». او در بخش پایانی سخنرانی خود، به ناسیونالیسم از منظر فلسفی پرداخت و اظهار کرد: «ملت از لحاظ فلسفی وجود ندارد؛ ملت یک نام اختصاری برای مجموعه اسامی افراد و شهروندان کشور است و کسانی که با وجود پس‌رفت وضعیت نهادهای هشت‌گانه تشکیل‌دهنده جامعه (خانواده، اقتصاد، تعلیم و تربیت، علم و فن و هنر، سیاست، حقوق، اخلاق و...)، از سرفرازی و شکوه ملتی بگویند، «ملت» را چیزی غیر از افراد و شهروندان فرض کرده‌اند که اثرات سوء آن زندگی همه شهروندان را متاثر می‌کند».

پسر محمدعلی رامین آزاد شد

شرق: بعد از شش ماه، رسانه‌ها خبر از آزادی پسر محمدعلی رامین دادند. مشخص نیست آیا یاسر رامین بعد از تودیع وثیقه سنگین خود آزاد شده یا این آزادی به طریقی دیگر بوده است. ۲۷ مرداد، «جعفری‌دولت‌آبادی»، دادستان تهران، از صدور قرار وثیقه ۲۹میلیاردتومانی و بازداشت متهم شرکت رشد، وابسته به سازمان هلال‌احمر، خبر داده بود؛ همان زمان رسانه‌های اصولگرا نوشتند همسر «مهناز افشار»، هنرپیشه اصلاح‌طلب! بازداشت شد و رسانه‌های اصلاح‌طلب از دستگیری پسر «محمدعلی رامین»، معاون مطبوعاتی و تئوری‌پرداز نفی هولوکاست در دولت «احمدی‌نژاد»، خبر دادند. «یاسین رامین» نتوانسته بود وثیقه چنده‌میلیاردی‌اش را تودیع کند و به همین دلیل روانه زندان شده بود. خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه، همان زمان گفت پرونده مطروحه با اعلام شکایت سازمان هلال‌احمر در دادسرای کارکنان دولت تحت رسیدگی است.

یک ماه قبل‌تر، خبری در رسانه‌ها منتشر شد مبنی بر اینکه یاسین رامین، اسپانسر باشگاه استقلال می‌شود؛ اما مهم‌تر از این خبر، شایعاتی بود که از مدت‌ها قبل درباره کسب‌وکار او در ماجرای واردات دارو و همکاری با سازمان هلال‌احمر در دوران احمدی‌نژاد (که رئیس آن یکی از نزدیکان دولت بود)، مطرح شده بود. این شایعات با خبر ممنوع‌الخروجی یاسین رامین یک هفته پیش از بازداشت او، قوت بیشتری گرفته بود. محمدعلی رامین، همان زمان (یک هفته قبل از بازداشت یاسین) با خبرگزاری فارس گفت‌وگو کرد و از پسر و عروسش به‌نوعی اعلام برائت کرد. اما رامین به فارس گفت: «ایشان حدود ۱۸ سال است که مستقلا در تأمین معیشت و هزینه تحصیلات خودش تلاش کرده و می‌کند و بنده سال‌هاست که در امور شخصی و شغلی ایشان چندان ورودی ندارم و امور زندگی خانوادگی‌شان را حریم خصوصی خودشان می‌دانم».

این در حالی است که رامین شش سال قبل، دفاع سختی از فرزند و فعالیت‌های اقتصادی‌اش کرده بود؛ تاجایی‌که حتی انتشار عکس مشترکشان در حاشیه نمایشگاه هفدهم مطبوعات هم، واکنش عجیب و شدید رامین را به‌دنبال داشت. او با بیان اینکه «پسر من فعالیت‌های ارزشمندی برای نظام داشته است»، شاکی شده بود: «ولی شما با این کار، او را سوزاندید و به رژیم صهیونیستی سرنخ دادید و شما با این کارتان به نظام ضربه زدید». رامین مدعی بود فرزندش به دلیل فعالیت در زمینه تأمین برخی کالاهای پزشکی تحریم‌شده مرکز توجه بسیاری از رسانه‌ها و کارتل‌های صهیونیستی است.

«رامین» در گفت‌وگوی خود با فارس، ماجرای ممنوع‌الخروجی پسرش را یک «اختلاف مالی» دانسته و گفته: «یا باید طرفین اختلاف، مسئله را خودشان حل کنند یا باید هر طرف اسناد خودش را به دادگاه صالح اسلامی عرضه کند تا به این قضیه رسیدگی شود».

اما این را که اتهام دقیق فرزند رامین چه بود، اردیبهشت سیدامیر محسن‌ضیایی، رئیس جمعیت هلال‌احمر، این‌گونه توضیح داده بود: «شرکت رشد از نظر جمعیت هلال‌احمر فعالیتی ندارد و خیلی وقت است که فعالیتش متوقف شده است. موضوع شرکت رشد دارای دو بخش است که برای بخش اول آن اقدام قضائی صورت گرفته؛ اما برای بخش دیگر فعلا اقدامی صورت نگرفته است؛ چراکه از نظر قوانین آلمان، این شرکت متعلق به هلال‌احمر نیست، بلکه به نام این آقازاده ثبت شده است. شاید این فرد به تعهدات خود عمل کند و ما نیز دیگر موضوع را پیگیری نکنیم؛ چراکه اکنون پای میز مذاکره با رئیس سازمان تدارکات پزشکی نشسته و صحبت‌های خوبی نیز میان آنها انجام شده است». ضیایی درباره علت اختلاف هلال‌احمر با «یاسین رامین» هم گفته بود: «درواقع جمعیت هلال‌احمر تعدادی تجهیزات پزشکی از یک شرکت خارجی به مبلغ دو میلیون یورو خریداری کرده بود که این مبلغ را به شرکت رشد داد تا به‌عنوان واسطه به شرکت فروشنده تحویل دهد؛ اما متأسفانه این اتفاق رخ نداد». او با بیان اینکه ما اکنون بدهکار آن شرکت خارجی هستیم، گفته بود: «این بدهی هنوز تسویه نشده و در تبادلات مالی وجود دارد و ازآنجایی‌که ما فعالیت‌های زیادی به صورت مشترک با این شرکت انجام می‌دهیم، هنوز این شرکت شکایتی از ما نکرده است؛ اما ما باید این مبلغ را به آنها پرداخت کنیم».یاسر رامین در شرایطی آزاد شده است که مهناز افشار، همسر او، یک ماه قبل در کانون وکلا دیده شد. او در حاشیه همایشی درباره لایحه منع خشونت علیه زنان، روی سن رفت و یکی دو جمله بر زبان آورد. احتمالا حضور و رفت‌وآمدهایش به کانون وکلا بی‌ارتباط با پیگیری‌های مربوط به آزادی همسرش نبوده است.

پیام آیت‌الله نوری‌همدانی به اصولگرایان در دیدار با بذرپاش

شرق: آیت‌الله نوری‌همدانی و مکارم شیرازی از نامزدهای اصولگرایی که قرار است سال۹۶ با حسن روحانی رقابت کنند، خواسته‌اند به نفع دیگری کنار روند تا امکان موفقیت اصولگرایان تضمین شود. مصطفی میرسلیم، نامزد حزب مؤتلفه که قول داده تا آخر مناظرات انتخاباتی از دور رقابت‌ها کنار نرود، هفته گذشته به دیدار آیت‌الله مکارم‌شیرازی رفت. روز گذشته هم مهرداد بذرپاش، نامزد قریب‌الوقوع جبهه مردمی نیروهای انقلاب (جمنا)، به دیدار آیت‌الله نوری‌همدانی رفت. احتمال زیادی هست که در روزهای بعد، دیگر نامزدهای احتمالی با برخی دیگر از مراجع دیدار کنند و به آنها هم توصیه‌های وحدت‌آمیز شود.

به‌جز این دو نفر، اصولگرایان تا این لحظه دو نامزد پای کار دیگر هم دارند؛ حمید بقایی، نامزد جریان احمدی‌نژاد و سعید جلیلی، نامزد جبهه پایداری. به گزارش تسنیم، آیت‌الله نوری‌همدانی در دیدار با مهرداد بذرپاش گفته است: «به همه انقلابی‌ها توصیه می‌شود با یک فداکاری از تشتت آرا بپرهیزند و میان خود یک نفر را برای انتخابات پیش‌روی سال آینده انتخاب کنند و مهم‌ترین پیام بنده این است که با ازخودگذشتگی روی یک نفر اجماع کنند».

آیت‌الله نوری‌همدانی هم سه‌شنبه گذشته در دیدار با مصطفی میرسلیم، نامزد مؤتلفه، دبیرکل و اعضای شورای مرکزی این حزب، گفته بود: «اسلام و انقلاب اسلامی دشمنان فراوانی دارند و همه باید در انتخاب فرد اصلح در انتخابات اجماع داشته باشند. ما همواره شما را دعا می‌کنیم و امیدواریم بتوانید ائتلافی خوب را میان اصولگرایان شکل دهید. اگر تمام اصولگرایان یک نفر را معرفی کردند، امیدی به نتیجه انتخابات هست؛ اما اگر کاندیداهای متعددی معرفی کنند، مطمئن باشید در شرایط فعلی موفقیتی حاصل نخواهد شد». اگرچه مشخص نیست میرسلیم به آیت‌الله نوری‌همدانی چه پاسخی داده است؛ اما سخنان چند روز قبل او به ماجرای تک‌نامزدی‌شدن اصولگرایان، این بوده است: «هرچه تعداد نامزدها بیشتر باشد، مشارکت مردم بیشتر می‌شود... ممکن است انتخابات را به دور دوم بکشاند سپس در مرحله دوم باید به فکر ائتلاف بود».

میرسلیم گفته بود: «من اصلا با اینکه یک نفر باقی بماند حرف دارم. چرا باید به این قائل شویم که حتما یک نفر از هر جناح در انتخابات باقی بماند تا فضا دوقطبی شود؟ تا زمان مناظره‌های انتخاباتی، نامزدهای اصولگرایان در صحنه می‌مانند و بعد از اینکه در مناظره‌ها این افراد به مردم شناسانده شدند، باید گفت‌وگو برای ائتلاف صورت بگیرد»

در جست‌وجوی رقیب برای روحانی

اینکه چرا مراجع تقلید نگران به‌وحدت‌نرسیدن اصولگرایان در رقابت با روحانی‌اند یک بحث است و آنچه در واقعیت ماجرا جریان دارد، بحثی دیگر. محمدباقر قالیباف تا یک‌ماه قبل که زمزمه‌های آمدنش قوی بود، شرط گذاشته بود آمدنش منوط به اجماع روی اوست و به‌هیچ‌عنوان حاضر به رقابت درون‌گروهی نیست؛ اتفاقی که نیفتاد. البته رخدادهایی مانند حادثه پلاسکو و املاک نجومی هم در دست‌شستن اصولگرایان از او بی‌تأثیر نبود؛ چراکه حالا شرط‌بستن روی قالیباف پرریسک بود. برای همین دو ماه قبل جماعتی از آنها جبهه‌ای با عنوان جمنا تشکیل دادند و گفتند قرار است نامزد نهایی از درون این جبهه بیرون بیاید. کنگره آن را هم هفته گذشته برگزار کردند. حالا مشخص شده که این جبهه هم چندان فراگیر نیست. برخی مانند جریان احمدی‌نژاد یا جبهه پایداری، از اساس آن را قبول ندارند و در آن شرکت نکرده‌اند؛ برخی دیگر هم با اما و اگر آمده‌اند. مثلا همین مصطفی میرسلیم که حزب مؤتلفه آرزو دارد او به‌عنوان نامزد نهایی اصولگرایان معرفی شود، هفته پیش در پاسخ به این پرسش که با توجه به اعلام حمایت جبهه پیروان خط امام و رهبری از نامزد نهایی «جبهه مردمی نیروهای انقلاب»، مؤتلفه نیز از این نامزد نهایی حمایت خواهد کرد، گفته بود: «این کار را دبیرکل جبهه پیروان (محمدرضا باهنر) انجام داده است که بهتر بود با هماهنگی اعضا این کار صورت می‌گرفت. برخی اعضای جبهه پیروان اعلام کرده‌اند با آنها مشورت نشده است. با مؤتلفه هم مشورتی نشده است. تصمیمات اخیر جبهه پیروان خط امام و رهبری درباره انتخابات ریاست‌جمهوری بدون مشورت با اعضای این جبهه، از جمله مؤتلفه اسلامی اعلام شده است».

قاسم روانبخش، عضو مؤثر جبهه پایداری، هم گفته بود این جبهه در جریان ائتلاف اصولگرایان نه حضور دارد و نه نامزدی معرفی کرده است. او به ایلنا گفته بود: «جبهه پایداری جزء ائتلاف جبهه مردمی نیست و هیچ‌یک از اعضای جبهه پایداری در مجمع عمومی حضور نداشتند و آقایان فتاح و جلیلی هم جزء پایداری نیستند؛ اما اینکه با چه سازوکاری در این فهرست قرار گرفته‌اند، ظاهرا این‌گونه بوده که اسامی که حضار پیشنهاد داده‌اند در معرض رأی قرار گرفته است».

روزنه

نایب‌رئیس مجلس در نامه به آیت‌الله جنتی:

شورای نگهبان نظر خود درباره ایرادات مجمع تشخیص به برنامه ششم را اعلام کند

● **ایسنا:** «علی مطهری» نایب‌رئیس مجلس شورای اسلامی در نامه‌ای به دبیر شورای نگهبان با اشاره به ایرادات مجمع تشخیص مصلحت نظام به مصوبات مجلس در برنامه ششم، گفت شورای نگهبان باید نظر خود را درباره این ایرادات اعلام کند؛ چراکه وجود دو شورای نگهبان نه از سوی قانون اساسی و نه هیچ عقل سلیمی پذیرفته نیست.

در نامه علی مطهری به آیت‌الله احمد جنتی آمده است:

«آیت‌الله جنتی؛ دبیر محترم شورای نگهبان؛ با اهدای سلام، همان‌طور که مستحضر هستید اخیرا و بعد از رحلت مرحوم آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی مجمع تشخیص مصلحت نظام فهرست مغایرت‌های مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی نظام را برای شورای نگهبان ارسال می‌کند و این شورا آنچنان که در مورد برنامه ششم توسعه دیده شد بدون آنکه خود صحت و سقم این مغایرت‌ها را در مورد هر مصوبه بررسی و اظهارنظر کند که آیا ایراد مجمع وارد است یا نه، آن فهرست را یکجا به مجلس می‌فرستد و می‌گوید این مصوبات خلاف بند ۱ اصل صدودهم قانون اساسی و در نتیجه مغایر با شرع است. چند نکته قابل ذکر است:

۱. این یک بدعت در کار شورای نگهبان است چون اگر هر یک از موارد ارجاعی از سوی مجمع به شورای نگهبان مورد بحث قرار گیرد و درباره آن رأی‌گیری شود ممکن است شورا برخی از آنها را وارد ندانند و از دستور خارج و زحمت مجلس کم شود. مجلس در مسیر قانون‌گذاری خود فقط با یک نهاد طرف است و آن شورای نگهبان است.

۲. در آیین‌نامه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام که به امضای مقام رهبری رسیده آمده است که در جریان بررسی طرح‌ها و لوایح در مجلس، نماینده مجمع تشخیص مصلحت نظام باید در کمیسیون مربوط حاضر شود و مغایرت‌های طرح یا لایحه با سیاست‌های کلی را اعلام کند، تصمیم‌گیری با مجلس است. این در حالی است که نماینده یا نمایندگان مجمع در بررسی لایحه برنامه ششم توسعه در کمیسیون تلفیق برنامه حضور پیدا نکردند و طبعا ارسال یکباره فهرست مغایرت‌ها به شورای نگهبان خلاف این آیین‌نامه بوده است.

۳. اینکه مصوبه‌ای مخالف سیاست‌های کلی باشد به این معنی نیست که مخالف شرع است، حداکثر با استناد به اصل صدودهم، مخالف قانون اساسی است. نمی‌توان گفت چون این سیاست‌ها به امضای مقام رهبری رسیده پس مخالفت با آن مخالفت با ولی فقیه و در نتیجه مخالفت با شرع است. ممکن است مجلس با دلایل کارشناسی و رعایت مصلحت‌ها یک ماده قانونی را مخالف این سیاست‌ها نداند و مجمع تشخیص مخالف بداند. در اینجا اگر شورای نگهبان پس از بررسی و رأی‌گیری، نظر مجمع را تأیید کرد، ایراد خود را به مجلس اعلام می‌کند. بی‌جهت پای شرع را به میان نیاوریم».
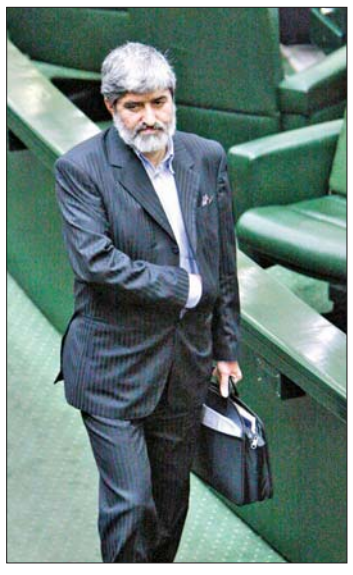
در ادامه این نامه مطهری نوشته: «امیدوارم از این پس اگر مجمع تشخیص مصلحت نظام فهرست مغایرت‌های مصوبات مجلس با سیاست‌های کلی را برای شورای نگهبان ارسال می‌کند، این شورا نظر خود را درباره این مغایرت‌ها به تفکیک بیان کند تا مجلس به رفع ایراد بپردازد. آنچه که در آیین‌نامه نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی با تعبیر «اعمال این سیاست‌ها توسط شورای نگهبان» آمده است به همین معنی است نه اینکه شورا فهرست ارسالی از سوی مجمع را بدون بررسی به مجلس بفرستد و مصوبات مربوط را خلاف شرع بنامد. در این صورت دو شورای نگهبان خواهیم داشت، یکی برای تطبیق با قانون اساسی و شرع و دیگری برای تطبیق با سیاست‌های کلی نظام. این را نه قانون اساسی و نه هیچ عقل سلیمی می‌پذیرد، علاوه بر اینکه مجلس نیز از این جهت به یک موجود مجبور تبدیل می‌شود. برای جناب عالی آرزوی توفیق الهی دارم».